

ایران بدل شده است. صدها هزار کارگر از یک‌ماه تا دو سال دستمزدهای خود را دریافت نمی‌کنند. آنها در حین تلاش برای ادامه‌ی حیات در فقر مطلق درگیر مبارزه برای دریافت حقوق معوقه‌اند.

- خط فقر تعیین شده از طرف بانک مرکزی برای خانواده چهارنفره، در آمد نهصد هزار تومان در ماه است.

- بر اساس اعلام وزارت رفاه سه میلیون نفر، و به برآورد کارشناسان دیگر پنج میلیون نفر زیر خط فقر شدید قرار دارند که ماهانه تنها بیست و پنج هزار تومان دریافت می‌کنند.

- بنا بر گفته رئیس مرکز آمار بیش از ده میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق، و بیش از سی میلیون نفر در زیر خط فقر نسبی بسر می‌برند.

اینها تنها بخش کوچکی از حقایق تکان‌دهنده وضعیت کار و معاش کارگران و زحمت‌کشان در ایران است. حذف یارانه‌ها که افزایش وسیع قیمت‌ها و هزینه زندگی را به همراه دارد سریعاً به افزایش سهمگین عمق و وسعت همین فقر و فلاکت موجود می‌انجامد.

دولت در یک سردرگمی آشکار به حساب هر نفر ماهانه چهل هزار تومان واریز کرده تا جبران افزایش هزینه‌ها باشد. اما کیست که نداند این مبلغ در مقابل افزایش نجومی قیمت‌ها و پیش از رسیدن به دست افراد دود شده و به هوا می‌رود. اما

سؤال اساسی این جاست که با تبدیل شدن قیمت‌ها به قیمت‌های جهانی چرا سطح دستمزد کارگران جهانی نمی‌شود، و چرا به جای مبلغ ناچیز ماهیانه به عنوان یارانه نقدی، میزان دستمزدها را تا سطح جهانی بالا نمی‌برند؟!؟

قابل توجه است که حذف یارانه‌های کالاهای اساسی یک سیاست پذیرفته شده و مورد قبول همه جناح‌ها و همه بخش‌های طبقه سرمایه‌دار ایران و نمایندگانشان در داخل و خارج است. در این تعرض جنایت بار به سطح معاش ناچیز کارگران، و در این سیاست جنایت بار برای به نابودی کشاندن خانواده‌های کارگری، همه اینها اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا، همدل و متفق‌اند. کارگران و زحمت‌کشان نیز باید

## حذف یارانه‌ها، حمله به سفره‌ی در حال حاضر خالی کارگران و زحمتکشان

یارانه‌های شانزده کالای اساسی و مایحتاج ابتدایی مردم حذف می‌شوند. بالاخره پس از دو دهه طرح و دسیسه و پس از یک سال کشمکش بر سر چگونگی اجرای این سیاست، یارانه حامل‌های انرژی شامل: بنزین، گازوئیل، مازوت، نفت سیاه، گاز مایع، گاز طبیعی، برق؛ و نیز یارانه کالاها و خدماتی نظیر: آب، جمع‌آوری فاضلاب، گندم، برنج، روغن نباتی، شکر، شیر، خدمات پستی، و خدمات ریلی و هوایی در طول پنج سال حذف شده و این اقدام به نرخ بازارهای منطقه‌ای و جهانی عرضه می‌شوند ولی دستمزد کارگران تغییری نمی‌کند!

به دنبال اجرای این سیاست تورمی سنگین و غیر قابل تصور جامعه را فرا خواهد گرفت. تورمی که مستقیماً به معنای تعرضی خانمان‌برنداز به سفره‌ی در حال حاضر خالی کارگران و زحمتکشان خواهد بود. دقیقاً به دلیل همین معنای واقعی حذف یارانه هاست، که نگرانی و وحشت از سربرکشیده مبارزات کارگران و شورش‌های گرسنگان به بحث روز محافل حکومتی و رسانه‌ها بدل شده است.

برای درک ابعاد ویرانگر این سیاست علیه طبقه کارگر چیزی درست‌تر از این نیست که به وضعیت اقتصادی تاکنونی کارگران با وجود یارانه‌ها توجه کنیم تا دریابیم که با حذف یارانه‌ها چه فاجعه عظیمی در انتظار این طبقه است. به حقایق موجود نگاه کنیم:

- حداقل دستمزد در سال جاری سیصد و سه هزار تومان در ماه است.

- از بیست و پنج میلیون نیروی کار ایران، بیش از پنج میلیون بیکار و فاقد درآمدند.

- بیش از هفتاد درصد کارگران غیر دائم و بصورت قراردادهای یک ماهه تا یک ساله و بعضاً نیز در قالب قراردادهای فاقد شرایط و بدون مدت و موسوم به «سفید امضا» شاغلند.

- کار قراردادی، یعنی کار فاقد هرگونه امنیت شغلی و محرومیت از همان مزایای حداقلی موجود و نیز عدم اجبار کارفرما به پرداخت حداقل دستمزد.

- میلیونها کارگر شاغل در کارگاههای زیر پنج نفر و ده نفر و قالیبافی‌ها قانوناً خارج از شمول قانون کار بوده و از همان مزایای حداقلی موجود محرومند.

- عدم پرداخت دستمزد کار انجام شده به یک پدیده رایج در

## تحصن ۷۵۰ کارگر کارخانه نساجی مازندران در مقابل فرمانداری قائم شهر

۷۵۰ تن از کارگران کارخانه نساجی مازندران روز چهارشنبه ۱۲ آبان پس از راهپیمایی از محل این واحد تولیدی، در مقابل فرمانداری قائم شهر تحصن کردند. این کارگران گفتند که از آذر سال گذشته، چهار ماه عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده‌اند و سه ماه از حقوق سال جاری نیز به آنان پرداخت نشده است.

این کارگران با اعلام اینکه بعضی از آنها، فرزندان دانش‌آموز و دانشجوی خود را از مدرسه و دانشگاه بیرون آورده‌اند، خواستار دریافت حقوق معوقه خود شدند. همچنین نانوائی‌ها دیگر به کارگران نان اقساطی نمی‌فروشدند و تمام فروشگاه‌ها به علت بدهی بالای آنها از فروش اغذیه و پوشاک خودداری می‌کنند.

در پی تحصن صدها کارگر کارخانه نساجی مازندران، مدیرعامل این کارخانه در تماس تلفنی با سرپرست فرمانداری قائم شهر گفت: تا اول آذر امسال، برنامه زمان‌بندی برای نحوه پرداخت حقوق تدوین کرده است و حقوق یک ماه از حقوق کارگران، روز ۲۳ آبان پرداخت می‌شود.

## خراج کارگران شرکت آزاد غرب

شرکت آزاد غرب، یک شرکت سازنده قفل و سوئیچ خودرو، وبا مالکیت شخص انگلیسی می‌باشد که در جاده کرمانشاه - همدان واقع بوده و مدیریت آن را شخصی ایرانی به عهده دارد.

بنابه گزارش رسیده در تاریخ سوم مهرماه سال ۱۳۸۹ تمامی ۲۷۰ نفر کارگر مشغول به کار در این شرکت را اخراج کردند. این کارگران که از داشتن عیدی، پاداش سنوات و مزایا محروم بوده‌اند، ۲ ماه حقوق معوقه خود را نیز تاکنون دریافت نکرده‌اند.

یکی از کارگران اخراجی می‌گوید: بعد از اخراج، اعتراض کردیم، اما نیروی انتظامی دخالت و ما را به پاسگاه برده و در نهایت این کارفرما بود که از ما شاکی شد و از نظر قانونی او باید رضایت دهد.

این نشریه متعلق به ما کارگران است. در محیط کار و زندگی، در دانشگاه، بیمارستان، کارگاه و کارخانه، در هر جا که هستیم آن را تکثیر و منتشر کنیم.

تماس با ما: bidar.nashriyeh@gmail.com  
آدرس وبلاگ نشریه: http://nashriyehbidar.blogspot.com

ناگوار و اسفبار شده است. همه اندوخته‌ها و موجودی‌ها مصرف شده، دو ماه قبل در اوایل شهریور در ادامه‌ی سلسله‌ای از اعتراضات و تجمعات و در ادامه‌ی تعویض سهام‌دار شرکت، توانسته بودیم ۳ ماه حقوق از ۱۸ ماه حقوق معوقه خود را دریافت کنیم و با آن توانستیم بخش بسیار اندکی از قرض‌های خودمان را بپردازیم.

اما در حال حاضر بدهی‌ها و از طرف دیگر گران شدن قیمت‌های اجناس مختلف به بهانه‌ی یارانه‌ها و ... کمر خم شده ما را بیشتر خمیده کرده است، در همین رابطه هر روز کارگران در این شرکتی که مدت‌هاست تعطیل شده جمع می‌شوند ولی هیچکس پاسخگوی کارگران نیست، مقامات فقط در تلاش برای پرکردن جیب خود هستند، کارگران و مطالباتشان بالکل فراموش شده هستند...".

## دستگیری ۳۰ کارگر در کارخانه‌ی سیمان درود واقع در استان لرستان

روز یکشنبه ۹ آبان ماه ۸۹، حدود ۳۰ تن از کارگران سیمان درود واقع در استان لرستان در اعتراض و اعتصاب برای تثبیت قراردادهای‌شان، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه‌ی بازداشت‌گاه شدند.

این کارگران که تحت پیمان‌های موقتی در کارخانه سیمان درود مشغول به کار بودند پس از آنکه متوجه شدند علیرغم وعده‌های دولت قرار نیست آنها را به عقد قرارداد دائمی و رسمی شرکت مذکور درآورند دست از کار کشیدند و به اعتراض از طریق اعتصاب عمومی پرداختند و در نتیجه تولید در این کارخانه متوقف گردید و با هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی، ۳۰ تن از این کارگران بازداشت شدند.

اعتراض و اعتصاب از حقوق اولیه کارگران است و یکی از مهمترین ابزارهایی است که طبقه کارگر می‌تواند برای خواسته‌هایش علیه سرمایه‌دار و کارفرما بکار گرفته و آنان را وادار به عقب‌نشینی نماید. اعتصاب به کارگران می‌آموزد تنها با تکیه بر نیروی جمعی و اتحاد عمل‌شان است که می‌توانند حقوقشان را بگیرند. سرمایه‌داران و کارفرمایان قانونن مجازند گرد هم جمع شوند و در مورد راهکارهای پایین آوردن دستمزدها، قراردادهای موقت کاری و بستن کارگاهها و کارخانجات بحث کنند و به یک نتیجه مشترک برسند. اما اگر کارگران بخواهند برای خواسته‌های مشترکشان به یک توافق مشترک برسند مجرم محسوب می‌شوند و روانه‌ی زندان می‌شوند!

برای غلبه بر اتحاد سرمایه‌داران، تشکل‌های مستقل خود را ایجاد کنند و با حرکت‌های جمعی و متشکل خود از قبیل اعتراض و اعتصاب، در مقابل هجوم سرمایه‌داران به سفره‌ی در حال حاضر خالی‌شان بایستند و آنان را وادار به عقب‌نشینی کنند.

### ● سرنوشت کارخانه ریسندگی کاشان

کارخانه ریسندگی کاشان هم اکنون فقط ۴۰ هزار متر پارچه در روز تولید می‌کند. کارخانه‌ای که در آن ۷ هزار کارگر کار می‌کردند، اکنون تنها کمی بیش از هزار کارگر دارد. فاجعه در این کارخانه با واگذاری آن به بخش خصوصی در سال ۸۱ آغاز شد و از همین سال، باز خرید و بازنشسته کردن کارگران آغاز شد و تا کنون حدود ۶ هزار کارگر بیکار شده‌اند.

علیرغم اعتراض و تظاهرات و تحصن کارگران، نابودی ریسندگی کاشان همچنان ادامه یافت. حتا کارگرانی که هنوز بازنشسته و یا باز خرید نشده‌اند، بیش از دو سال است که حقوق نگرفته‌اند. واردات پارچه با تعرفه‌ی وارداتی ناچیز و در پی آن نابودی بسیاری از کارخانه‌های ایران در سال‌های اخیر، باعث شده تا روند باز خرید و اخراج و بازنشسته کردن کارگران سریع‌تر شود، کارگران ریسندگی کاشان نیز چنین شدند. در پی نابودی این کارخانجات باز هم این کارگران هستند که بار مشکلات و بیکاری را بر دوش می‌کشند، چرا که سرمایه‌داران، این کارخانه‌ها را با تغییر کاربری فروخته و با تبدیل زمین اغلب این کارخانه‌ها به انبار و یا با تقسیم به قطعات ساختمانی و فروش آن‌ها، پول کلانی به جیب می‌زنند. نظیر این اتفاق قرار بود چند سال پیش برای کارگران نیشکر هفت‌تپه بیفتد، اما کارگران این کارخانه با اتحاد و هوشیاری و با ایجاد تشکل کارگری‌شان توانستند از فروش و تاراج کارخانه و هکتارها زمین کشاورزی وابسته به آن جلوگیری کنند.

زمینه‌سازی‌های این روند، قبل از سال ۱۳۷۵ آغاز شد. برخی از این زمینه‌سازیها، در مصاحبه‌ها و مطبوعات همان زمان و در جریان دو کارزار انتخاباتی مجلس پنجم و ریاست جمهوری دوره‌ی هفتم (دوم خرداد ۷۶) انتشار یافت؛ نظراتی در خصوص برتری تجارت بر تولید، از زبان آنان با این مضمون اعلام شد که «وقتی ما می‌توانیم جنسی که در ایران تولید می‌شود، از خارج و به قیمت ارزان‌تر وارد کنیم، چه نیازی به ادامه‌ی تولید آن در داخل است؟». این «استدلال» هم از زبان اصلاح طلبان و هم اصولگرایان، در آن روزها شنیده می‌شد.

به عبارت دیگر آنان از پول هنگفت حاصل از فروش نفت که در واقع ثروتی طبیعی و متعلق به همه‌ی مردم است بر ضد اکثریت مردم یعنی کارگران استفاده می‌کنند؛ یعنی این پول را صرف گسترش واردات و گشودن دروازه‌های بازار داخلی بر روی کالاهای خارجی و سرمایه‌های جهانی و راضی کردن آن‌ها می‌کنند تا حاکمیت خویش را استحکام بخشند و از سوی دیگر خود را از اعتراضات و اعتصابات کارگران و تشکل‌های آنان خلاص کنند! و حاصل آن، فاجعه‌ای است که امروز با ۷۰ هزار میلیارد واردات و نابودی تولید و صنعت، شاهد تشدید بیکاری و گرسنگی و فقر در کشور هستیم.

سرمایه‌داری چه در شکل ملی و چه خارجی تنها به فکر سود خود است، و گاه با بیکارسازی و تاراج کارخانه‌هایی که در واقع از دسترنج ما پدید آمده و متعلق به خودمان است و گاه با استثمار نیروی کارمان، زندگی ما کارگران را مورد حمله قرار می‌دهند و در این امر کاملاً با هم موافق و هماهنگ‌اند. ما کارگران جز اتکاء بر نیروی خودمان و مبارزه‌ی متشکل برای غلبه بر این مناسبات غارتگرانه و پی‌ریزی جامعه‌ای انسانی، چاره‌ی دیگری نداریم.

### ● درس‌های اعتصاب سراسری اخیر در فرانسه

اعتصاب هفته‌های اخیر در فرانسه، با شرکت نزدیک به ۴ میلیون نفر از کارگران و هم سرنوشتان آن کشور، به جز برافروختن نور امید در قلب کارگران و قشرهای دانشجوی و دانش‌آموز و در یک کلام توده‌ی مردمی که نگران سرنوشت بشر هستند، درس‌های فراوانی داشت.

از مهم‌ترین درس‌های آن نکته‌ی ساده و روشنی‌ست که طی سال‌ها، به کوشش رسانه‌های سرمایه‌داری پنهان و فراموش شده است؛ و آن این است که: تمام آن چه که برای ادامه‌ی زندگی انسان لازم است با کار کارگران تأمین و تولید می‌شود. اگر، به فرض محال، از همین فردا سرمایه‌داران تصمیم بگیرند که دیگر به نقش انگلی خود در تولید خاتمه دهند و از مالکیت ابزار تولید دست بکشند؛ کارگران می‌توانند روند تولید را بسیار بهتر ادامه دهند چرا که در محیطی انسانی و رفیقانه و با ابزار تولیدی که اکنون خودشان صاحب شده‌اند و تحت مالکیت عمومی است کار می‌کنند و دیگر کسی نیست که با سوء استفاده از مالکیت خصوصی ابزار تولید آنها را استثمار کند. اما اگر همین کارگران، که

هر روز از سوی کارفرما تحقیر می‌شوند و زیر فشارهای غیر انسانی و شرایطی مرگبار و با دستمزدی ناچیز، نیروی کار خود را برای سود رساندن به جیب گشاد سرمایه‌داران می‌فروشند، همگی، به هر علتی دست از کار بکشند، روند تولید و زندگی اجتماعی، و در پی آن زندگی فرد فرد اجتماع، مختل و نابود خواهد شد. مشابه این اتفاق را البته در ابعادی بسیار کوچکتر، در هفته‌های اخیر در فرانسه شاهد بودیم که چگونه با اعتصاب و دست از کار کشیدن تنها عده‌ای از کارگران، تولید و شرایط زندگی در یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری مختل شد. همچنان معلوم شد، تولید هرگز وابسته به سرمایه‌ی سرمایه‌داران نیست و نخواهد بود، بلکه تولید همواره وابسته به نیروی کار ما کارگران است. در حال حاضر حاصل زحمت ما کارگران، نه تنها محصولات مورد نیاز را فراهم می‌آورد، بلکه قسمت اعظم آن تبدیل به سود برای سرمایه‌دار می‌شود؛ اگر کار ما کارگران در میان نباشد، هیچ ارزشی به سرمایه‌ی اولیه‌ی سرمایه‌دار افزوده نمی‌شود و در واقع سرمایه‌دار، سال بعد باید بیاید و همان مقدار سرمایه‌گذاری اولیه‌ی خود را برداشت کند، و سال بعدترش هم همچنین و... . سرمایه‌ای هم که سرمایه‌دار به آن می‌نازد و ادعا می‌کند که نقش اساسی را در روند تولید دارد، از حاصل دسترنج ما کارگران به دست آمده. سرمایه‌دار این دسترنج را که حاصل کار مشقت بار کارگران پیشین است به صورت سرمایه‌ی اولیه‌ی سرمایه‌گذاری می‌کند تا باز هم خون کارگران را در شیشه کند و بر میزان سرمایه‌اش اضافه کند، حال آن که ما هرگز سهمی از آن نداشته و نداریم.

این اعتصابات بار دیگر نشان داد که کارگران تنها با متشکل شدن و اتحاد است که می‌توانند نیروی عظیم خود را نشان دهند، و رسیدن فریادهای کارگران فرانسه به گوش هم طبقه‌ای‌هایشان در سرتاسر جهان در گرو همین امر، یعنی متشکل بودن آنان در تشکل‌های توده‌ای طبقه‌ی کارگر بود. اما باید توجه داشت که سرمایه‌داران در سراسر جهان با هم متحدند و چنانچه دیدیم برای در هم شکستن و خنثی کردن اعتصاب کارگران فرانسه از هر کشور و هر جایی که می‌توانستند به فرانسه سوخت و دیگر محصولات لازم را فرستادند. ما باید از این ماجرا درس بگیریم که ما کارگران نیز در نهایت برای غلبه بر استثمار جهانی سرمایه‌داران باید در سطحی جهانی با یکدیگر متحد شویم.

نکته‌ی پایانی که در اعتصاب سراسری اخیر در فرانسه جلب توجه می‌کرد، حضور گسترده‌ی دانشجویان و دانش‌آموزان و بخش‌هایی از مردم بود که در تیررس مستقیم قانون دو سال اضافه شدن به سن بازنشستگی قرار نمی‌گرفتند؛ اما از آن جا که به روشنی می‌دانستند که این قانون بر زندگی پدر و مادرشان، و نیز بر زندگی آینده‌ی خودشان به عنوان کارگر آینده تأثیر خواهد گذاشت، در اعتصابات و اعتراضات حضوری فعال و چشم‌گیر داشتند. این، روحیه‌ای است که باید در جنبش‌های کارگری، از جمله در کشور ما، تقویت شود. طبقه وسیع کارگر اعم از کارگران صنایع و خدمات، معلمان، پرستاران و کارگران آینده اعم از دانش‌آموز و دانشجو هم سرنوشت هستند و باید در اتحادی طبیعی، به مبارزه‌ی پیگیر خود علیه مناسبات استثمار گریانه‌ی سرمایه‌داری ادامه دهند.

## اخبار کارگری

### ● پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران لاستیک البرز

گزارشها حاکی از آن است که ۱۳۰۰ کارگر کارخانه لاستیک البرز تهران، در پی قول نمایندگان وزارت صنایع و کارفرما با خواسته‌هایشان، از روز چهارشنبه ۱۲ آبان ماه به اعتصاب حدوداً یک ماهه خود پایان دادند. این کارگران خواستار دریافت حقوق چهار ماه سال ۸۷ و عیدی و دو ماه حقوق سال گذشته خود و نیز فراهم آوردن مواد اولیه برای ادامه‌ی کار این واحد تولیدی بودند.

یکی از کارگران لاستیک البرز گفت که نیمی از حقوق شهریورماه کارگران پرداخت شده و گفته شده است که بلافاصله پس از پرداخت وام به کارخانه، حقوقشان را دریافت خواهند کرد.

همچنین قرار است خواسته مهم دیگر کارگران، یعنی از سرگیری فعالیت کارخانه با انتقال مواد اولیه به انبار این واحد تولیدی، تحقق یابد.

این موفقیت نسبی نشان می‌دهد که کارگران تنها با اتکاء به نیروی جمعی‌شان می‌توانند به حقوق خود دست یابند.

### ● مطالبات کارگران لوله‌سازی خوزستان از مرز ۱۷ ماه گذشت

کارگران لوله‌سازی خوزستان در مشکلات معیشتی خود دست و پا می‌زنند، یکی از کارگران گفت: "وضعیت معیشتی خانواده‌های کارگران لوله‌سازی خوزستان بسیار

برپایی تشکل‌های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع و آزادی بیان  
حق مسلم ما کارگران است